



برای دورسی که از روزهای سخت گرفتیم؛
**ایران متحد،
شکست ناپذیر است**

روزنامه مستقل
دنیای هوادار
www.donyayehavadar.ir

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

یکشنبه ۲۲ تیر ماه ۱۴۰۲

شماره ۱۸۵۰

پست حمایتی دولت برای صنعتگران واردات اجرائی شد؛

عبور البرز از دل بحران کلید خورد؟

«دنیای هوادار» از ضرورت سیاست گذاری اقلیمی یادآوری کرد؛

عطش اقلیم، تشنگی سیاست

فقدان ضمانت اجرائی، نبود ناظر مشخص و سکوت پرهزینه وزارت صحت، اجرای یک سیاست سبز را به خاک سپرد؛

آیین نامه ای که زباله شد!



یاد و خاطر شهدای گرانقدر جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم جعلی بویژه ۱۱ شهید سید محمد حسین سیدی ۱۱ گرامی باد



سرمقاله

ناسیونالیسم اخلاقی، راهی برای عبور از تحقیر و تهدید

مهدی صالحی

سرزمین ایران در تاریخ خود کم از همه و تجاوز ندیده است. از حمله مغول گرفته تا استعمار قرن بیستم، از تحمیل جنگ هشت ساله تا تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی، و حالا جنگ ۱۲ روزه‌ای که رژیم صهیونیستی در آن، بار دیگر مرزهای جنایت را به سودای قدرت و ترس از آینده‌ای غیرقابل مهار در خاورمیانه، درنوردد.

اما آنچه ایران را از خاکستر چنین فجایع و دشمنی‌ها دوباره برمی‌خیزاند، چیزی فراتر از محاسبه صرف نظامی یا بازدارندگی هسته‌ای است؛ آن‌چه ایران را نگه‌می‌دارد و بالا می‌کشد، ایران فرهنگی است؛ ایران تاریخی، و مهم‌تر از همه، ایرانی که می‌ایستد، نه فقط به حکم حکومت، که به اقتضای حافظه جمعی‌اش.

جنگ ۱۲ روزه اخیر -که بی‌رحمانه‌ترین جلوه‌های آن را در شهادت ۹۳۵ نفر از شهروندان غیرنظامی، از جمله ۳۸ کودک و ۱۰۲ زن، از دست ندادیم- تنها یک درگیری نظامی نبود. این جنگ، بازتاب چند لایه از تعارضات ژئوپلیتیکی، رقابت‌های تکنولوژیک، بی‌اعتمادی امنیتی و بازی‌های قدرت در آستانه مذاکره ایران و آمریکا بود. اما هم‌زمان، این واقعه یادآور چیزی شد که باید بیش از پیش در سیاست و فرهنگ ما بازتاب یابد: نیاز حیاتی به ملی‌گرایی معقول، وحدت‌محور و عقلانی در ساختار حکمرانی.

سکوت مرگبار نهادهای بین‌المللی مانند آژانس انرژی اتمی، که حملات آمریکا و اسرائیل به سایت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز را با بی‌تفاوتی مطلق دنبال کرد، نیز بار دیگر ثابت کرد که اتکال صرف به سازوکارهای جهانی بدون پشتوانه قدرت درونی، راه به جایی نخواهد برد. اگر صهیونیسم جهانی توانست این حجم از جنایت را «دفاع پیش‌دستانه» بنامد و جهان به‌جای ایستادگی، نظاره‌گر بماند، پس راهی نداریم جز آن‌که بازگشت به خویشتن ملی و استراتژی‌های بومی را در اولویت بگذاریم.

در این وضعیت، «ملی‌گرایی معقول» به‌معنای تقدس‌بخشیدن به سرزمین، مردم و فرهنگ، بدون لغزش به ورطه نفی دیگری یا طرد عقلانیت جهانی است. ایران امروز بیش از هر زمان به همین مدل حکمرانی نیاز دارد؛ حکمرانی‌ای که به مردم به‌مثابه شریک نگاه کند، نه فقط حامی. دانشگاه را نه صرفاً متخصص فناوری، که اتاق فکر قدرت ملی بداند. زنان و کودکان را نه صرفاً قربانی، بلکه سنگ‌بنای تاب‌آوری بداند. و سرمایه اجتماعی را مهم‌تر از هر تسلیحات بازدارنده قلمداد کند.

این جنگ پایان یافت، اما هشدارش باقی‌ست: وحدت ملی باید تثبیت شود، نه فقط احضار. هویت ایرانی، همان‌قدر که حماسی است، باید برنامه‌مند باشد. ناسیونالیسم ما اگر به‌درستی هدایت شود، می‌تواند پلی باشد برای عبور از بحران، نه شعاری برای استفاده‌های کوتاه‌مدت سیاسی.

مکرون خواستار مقابله اروپا با تعرفه‌های ترامپ شد

«امانوئل مکرون» -رئیس جمهور فرانسه- تهدید دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا به وضع تعرفه جدید بر کالاهای اروپایی را شدیداً رد کرد و خواستار مقابله با آن شد. وی تأکید کرد، در صورتی که اتحادیه اروپا و آمریکا نتوانند تا اول اوت (دهم مرداد) به توافقی در این باره دست پیدا کنند، اتحادیه اروپا «باید با بسیج همه ابزارهایی که در اختیار دارد، آمادگی برای اتخاذ اقدامات تقابلی معتبر را تسریع کند». رئیس جمهوری آمریکا اعلام کرد که تعرفه‌ای ۳۰ درصدی بر کالاهای وارداتی از اتحادیه اروپا و مکزیک اعمال خواهد شد. این تصمیم از اول ماه آگوست (۱۰ مرداد) سال جاری اجرا خواهد شد.

برای درسی که از روزهای سخت گرفتیم؛

ایران متحد، شکست‌ناپذیر است

مهرداد تیموری

این نگاه، اگر به‌درستی دنبال شود، می‌تواند الگویی تازه از رابطه دانشگاه و دولت در جمهوری اسلامی ایران ترسیم کند.

در کنار این، عارف به یک نکته راهبردی دیگر نیز اشاره کرد: نبود اختلاف میان «میدان» و «دیپلماسی». جمله‌ای که در دل خود حامل یک بازتعریف از ساختار قدرت در جمهوری اسلامی است. برای نخستین‌بار، مقام ارشد دولت صراحتاً اعلام می‌کند که امروز تصمیم نهایی درباره «مذاکره با اقتدار» به‌عنوان نظر رسمی حاکمیت پذیرفته شده و همه نهادها، فارغ از اختلاف نظرهای پیشینی، بر آن توافق دارند. این وحدت تصمیم، نشانه‌ای روشن از بلوغ حاکمیت در لحظات بحرانی است؛ جایی که دیگر زمان رقابت جناحی یا اختلاف‌نظرهای راهبردی نیست، بلکه نیاز به هماهنگی حداکثری برای حفظ منافع ملی وجود دارد. واقعیت این است که ایران امروز، اگرچه درگیر فشارهای اقتصادی و خارجی است، اما از سرمایه‌هایی برخوردار است که در بسیاری از کشورها وجود ندارد: از جمله نیروی انسانی تحصیل‌کرده، دانشگاه‌های فعال، و مردمی که در لحظه خطر، همدل و هم‌زبان می‌شوند. مسئولیت‌نخبگان سیاسی و علمی در این شرایط، آن است که این سرمایه را نه فقط پاس دارند، بلکه به آن جهت دهند؛ آن را سازمان‌دهی کنند؛ و آن را در مسیر بازسازی اعتماد عمومی و توسعه پایدار به کار بگیرند.

سخنان عارف درباره لزوم ارائه طرح‌های راهبردی توسط دانشگاه صنعتی شریف برای کاهش وابستگی به دولت و تمرکز بر فناوری‌های اولویت‌دار، از همین رو مهم است. کشور برای عبور از شرایط فعلی، نیازمند دانشگاهی است که نه تنها از نظر فنی و علمی در طراز جهانی عمل کند، بلکه «رکن چهارم تصمیم‌سازی» در



ایلان ماسک با اعلام تشکیل حزب سیاسی جدیدی به نام «حزب آمریکا» مدعی شده که سیاست ایالات متحده را متحول خواهد کرد ولی کارشناسان سیاسی این ادعا را غیرواقعی می‌دانند.

به گزارش «دنیای هودار» به نقل از گاردین، ایلان ماسک میلیاردر مشهور و ثروتمندترین مرد جهان چند پیش اعلام کرد که قصد دارد یک حزب سیاسی جدید در آمریکا تاسیس کند که دموکراسی را در کشورش تأمین کند. او گفته بود: «ما در واقع در نظامی یک حزبی زندگی می‌کنیم، نه یک دموکراسی، زیرا

رویداد

حرف اول



حوزه‌های اقتصادی، امنیتی و اجتماعی باشد. شریف می‌تواند و باید از جایگاهی صرفاً نمادین خارج شود و به نهاد تأثیرگذار ملی تبدیل شود؛ همچنان‌که در سال‌های سخت گذشته همواره نقشی تاریخی ایفا کرده است. در همین‌جا می‌توان از پیشنهاد تشکیل کارگروه بررسی حفظ سرمایه اجتماعی در دفتر معاون اول دولت استقبال کرد؛ به شرط آن‌که این نهاد به محفل واقعی برای تبادل دیدگاه‌ها، نه ویتترینی برای اجماع‌سازی رسمی تبدیل شود. چراکه انسجام ملی، وقتی پایدار می‌ماند که صدای نقد و اختلاف نظر نیز در درون آن شنیده شود. آنچه کشور را در جنگ ۱۲ روزه قدرتمند کرد، تنها سامانه‌های دفاعی نبود؛ بلکه اعتماد مردم به یک روایت واحد، صادقانه و ملی بود.

در پایان، ما در لحظه‌ای ایستاده‌ایم که انسجام و وفاق ملی، نه صرفاً به‌مثابه واکنشی به یک جنگ، بلکه به‌مثابه افقی برای سیاست‌ورزی آینده ایران باید دیده شود. تجربه این دوازده روز، اگر درست تحلیل و تثبیت شود، می‌تواند به الگویی برای سیاست‌ورزی در شرایط عدم قطعیت تبدیل شود. وحدت ملی، اگر تبدیل به سیاستی نهادینه شود، بهترین پاسخ به تهدیدهای خارجی و گسست‌های داخلی خواهد بود. و این مأموریت، از همین امروز آغاز می‌شود: با روایت درست، با مشارکت واقعی، و با شنیدن صدای همه ایران.

حزب سیاسی ماسک؛ تحول در سپهر سیاسی آمریکا یا وعده‌ای خیالی؟

موفقیت یک حزب سوم برای کسب کرسی در کنگره و تأثیرگذاری واقعی بر دولت وجود ندارد.

تامس اعتقاد دارد که موفقیت دو حزب اصلی صرفاً ناشی از پول نیست، بلکه شبکه‌ای از منابع قدرتمند، سیاستمداران حرفه‌ای، مشاوران مجرب، و شرکت‌های تبلیغاتی قدرتمند در اختیار دارند که طی ۱۵۰ سال شکل گرفته است. او می‌گوید احزاب سوم زمانی موثر هستند که با ایجاد اختلال در سیستم سیاسی، احزاب بزرگ را تحت فشار قرار دهند؛ نه آنکه صرفاً بخواهند کرسی بگیرند.

در نظرسنجی‌ای که ماسک در شبکه اجتماعی خود منتشر کرد، ۶۵ درصد کاربران با تشکیل حزب جدید موافق و ۳۴ درصد مخالف بودند. یکی از مشکلات اصلی حزب ماسک، مشاوران سیاسی جنجالی او هستند؛ از جمله کرتیس یاروین، بلاگر راست‌گرای تکنولوژی که معتقد است دموکراسی آمریکا به پایان رسیده و کشور باید توسط یک مدیرعامل شبه‌دیکتاتور اداره شود.

کشورمان با فساد و اسراف به ورشکستگی کشیده شده است. امروز حزب آمریکا تشکیل می‌شود تا آزادی‌تان را به شما بازگرداند. ماسک امیدوار است حزب «آمریکا» بتواند جایگزینی واقعی برای دو حزب اصلی ایالات متحده یعنی جمهوری خواهان و دموکرات‌ها باشد؛ حزبی که توان تأثیرگذاری بر آینده سیاست کشور را داشته باشد. او حتی از نامزدی در دو یا سه کرسی سنا و حدود ۱۰ حوزه انتخابیه مجلس نمایندگان سخن گفته است.

با توجه به توازن شکننده قدرت میان دو حزب بزرگ در کنگره، ماسک معتقد است تصاحب تعداد کمی از کرسی‌ها می‌تواند حزب او را به رأی تعیین‌کننده در قوانین بحث‌برانگیز تبدیل کند.

اما کارشناسان سیاسی نظر دیگری دارند. «برنارد تامس» استاد علوم سیاسی در دانشگاه ایالتی والدستا و نویسنده کتاب «زوال و بازآیش احزاب سوم در آمریکا» می‌گوید: «در شرایط فعلی سیاست آمریکا، هیچ نشانه‌ای از امکان

عبور البرز از دل بحران کلید خورد؟

حمیدرشید

در آستانه فصل تازه‌ای از بازسازی و بازاریابی اقتصادی، اظهارات استاندار البرز درباره اجرای بسته جامع حمایتی از صنعتگران، بیش از آنکه صرفاً وعده‌ای اداری باشد، نشانه‌ای از تغییر فاز در سیاست‌ورزی اقتصادی دولت در قبال بخش خصوصی است. جنگ دوازده‌روزه اخیر، اگرچه کوتاه بود، اما لرزش‌هایش در پیکره اقتصاد کشور، به‌ویژه در استان‌هایی با تراکم صنعتی بالا مانند البرز، محسوس و جدی بوده است. این بسته حمایتی، همان‌طور که مجتبی عبداللهی اعلام کرد، با رویکرد «جبران تبعات جنگی» تدوین شده؛ رویکردی که در ظاهر، واکنشی به بحران اخیر است، اما در باطن، حاوی پتانسیلی برای بازتعریف رابطه دولت با صنعتگران در شرایط اضطراری و پس‌آسیب است.

در شرایطی که بسیاری از بنگاه‌های تولیدی با معضلاتی چون تأخیر در زنجیره تأمین، افزایش هزینه حمل‌ونقل، ریسک بیمه‌ای و بی‌ثباتی تقاضا دست‌وپنجه نرم می‌کنند، یک بسته هدفمند حمایتی نعتنها می‌تواند از فروپیزی واحدها جلوگیری کند، بلکه در صورت اجرا و نظارت دقیق، به عامل محرک رشد و سرمایه‌گذاری تبدیل خواهد شد.

استاندار البرز در این نشست، ضمن اشاره به تدوین بسته، از نقش صنعتگران در «تاب‌آوری اقتصادی استان» سخن گفت. تعبیر «تاب‌آوری» شاید در این زمینه از هر واژه‌ای دقیق‌تر باشد؛ چراکه نشان می‌دهد دولت، دست‌کم در ادبیات رسمی، پذیرفته که اقتصاد ایران نه در مسیر عادی، بلکه در مسیر مقاومت و جبران آسیب حرکت می‌کند. در این وضعیت، تاب‌آوری نه حاصل رشد طبیعی، که حاصل فشار، کمبود، و تلاش مضاعف است. نکته قابل‌توجه در سخنان عبداللهی، واگذاری مسئولیت شناسایی نیازهایی تکمیلی به اتاق گفت‌وگوی استان بود؛ حرکتی در جهت تقویت مشارکت نهادی و تقاضامحورسازی سیاست‌ها. این نکته مهم است: اگر بسته‌های حمایتی بر مبنای داده‌های میدانی و نیازهایی مشخص بنگاه‌ها طراحی شوند، احتمال تحقق اهدافشان بسیار بیشتر خواهد بود.

همچنین وعده برگزاری نشست ویژه با وزیر کار و رئیس سازمان تأمین اجتماعی درخصوص مطالبات بیمه‌ای صنعتگران، از شکلی تازه در دیپلماسی استانی پرده برمی‌دارد. دیپلماسی‌ای که دیگر صرفاً پیرو نیست، بلکه تلاش دارد کنش‌گر و میانجی‌گر بین مسائل استانی و نهادهای ملی باشد؛ اما این برنامه‌ها زمانی معنا پیدا می‌کنند که از سطح مصوبات به کف اجرا برسند. عبداللهی به صراحت تأکید کرده که «دستگاه‌های اجرایی موظف به اجرای بی‌درنگ مصوبات هستند». این تأکید، اگرچه در قالب اداری بیان شده، نشان از آگاهی نسبت به بحران «فاصله مصوبه تا عمل» دارد که سال‌هاست به آفت مزمن سیاست‌گذاری در کشور تبدیل شده است. در کنار الزامات اجرایی، آنچه اهمیت دارد، نظارت عمومی، شفاف‌سازی روند اجرا، و گفت‌وگوی مداوم با بخش خصوصی است. ایجاد یک سامانه شفاف برای رصد میزان تحقق تعهدات، گزارش‌گیری منظم از فعالان اقتصادی و اطلاع‌رسانی دقیق، می‌تواند هم اعتماد عمومی را افزایش دهد و هم امکان خطای سیاستی را کاهش دهد.

در نهایت، البرز به‌عنوان یکی از قطب‌های صنعتی کشور، از این ظرفیت برخوردار است که الگوی تعامل موفق دولت و بخش خصوصی در پسا‌جنگ را به کشور ارائه دهد؛ الگویی که در آن، نه صنعتگر تنهاست و نه دولت بی‌خبر از خاکی‌های اقتصادی. آنچه در این مسیر حیاتی است، پرهیز از نگاه دستوری، و حرکت به سوی مشارکت واقعی، مستلزم محور و بلندمدت است. اگر بسته حمایتی تدوین شده، به‌جای یک اقدام نمادین، به سیاستی پیش‌شان تبدیل شود، می‌توان انتظار داشت که استان البرز نه‌فقط از بحران عبور کند، بلکه آینده‌ای تازه در تولید، صادرات و اشتغال پایدار بسازد.

تشدید نظارت بر نصب و فعال سازی آسانسورها در البرز

مدیرکل استاندارد البرز اعلام کرد: فرآیند نظارت بر نصب و فعال سازی آسانسورها برای پیشگیری از حوادث احتمالی در این استان تشدید شده است. همان‌طور که بارها سازمان ملی استاندارد ایران در این خصوص هشدار داده است آسانسورهای برقی مشمول مقررات استاندارد اجباری بوده و اخذ تاییدیه ایمنی آسانسور از این سازمان اجباری و الزامی است. وی تأکید کرد: در صورت بروز هرگونه سانحه یا حادثه، مدیران و بهره‌برداران، مالکان و سازندگان ساختمان‌های فاقد تاییدیه ایمنی باید در مراجع قضایی پاسخگو باشند.



دنیای سوادار

۳ در شهر

یکشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۵۰

از «البرز» چه خبر؟

استاندار:

برخی از مدارس استان البرز کارایی لازم را ندارند



استاندار البرز گفت: برخی از مدارس این استان در نقاطی قرار دارند که کارایی لازم را ندارند بنابراین این املاک با رویکرد مولدسازی دارایی‌ها می‌تواند واگذار و منابع حاصل برای ساخت مدارس در مناطق نیازمند هزینه شود. «مجتبی عبداللهی» روز شنبه در نشست شورای آموزش و پرورش استان البرز افزود: تعدادی از مدارس روستایی بلااستفاده ظرفیت تبدیل شدن به اقامتگاه‌های بوم‌گردی را دارند که درآمد آن‌ها صرف توسعه زیرساخت‌های آموزشی و پرورشی خواهد شد. وی بیان کرد: باید تمام مدارس نیمه‌کاره و پروژه‌های در دست احداث مدرسه‌سازی تا آغاز سال تحصیلی جدید به بهره‌برداری برسند؛ از امروز تا اول مهر امسال، هیچ دلیلی برای تأخیر پذیرفتنی نیست و همه دستگاه‌ها باید ظرفیت خود را به میدان بیاورند.

رئیس جمهور دغدغه جدی برای ساخت مدرسه دارد

عبداللهی با اشاره به نگاه حمایتی دولت وفاق ملی اظهار کرد: رئیس‌جمهور، دغدغه جدی ساخت مدرسه و رفع کمبود سرانه‌های آموزشی را دارد و این توجه ویژه فرصتی ممتاز برای البرز است تا با همت جمعی و مستندسازی دقیق، نهایت بهره را ببریم. وی افزود: رئیس‌جمهور همچنین بر اقدامات محله‌محور و گسترش مشارکت مردمی در تاب‌آوری محلات تأکید دارد؛ مسیری که مادر قالب قرارگاه اجتماعی استان دنبال می‌کنیم و از حمایت عالی وی برخورداریم.

عبداللهی، طرح شاداب‌سازی مدارس را از اولویت‌های سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ دانست و افزود: این طرح باید با هم‌افزایی اداره کل نوسازی مدارس، شهرداری‌ها و مشارکت گروه‌های جهادی اجرا شود تا بیشترین تعداد مدرسه از فضای جذاب، ایمن و نشاط‌آور بهره‌مند شوند. وی از خیرین مدرسه‌ساز نیز قدردانی کرد و گفت: خیرین گرانقدر سراسر کشور به کمبود سرانه‌های آموزشی البرز واقف هستند. وظیفه ما فراهم کردن بستر لازم برای حضور فعال آنان است.

۴۰۸ نفر در زندانهای البرز چشم انتظار نیکوکاران هستند



زندانیان جرایم غیرعمد را به آغوش خانواده‌های خود بازگردانیم.

مدیر ستاد دیه استان البرز بیان کرد: انتظار می‌رود نیکوکاران این ستاد را حمایت کنند تا بتوانیم با مبالغ جمع‌آوری شده شاهد آزادی تعداد بیشتری از زندانیان در این استان باشیم.

شخصی با هر مبلغی، حتی ۱۰ هزار ریال، می‌تواند در ثواب این طرح مشارکت کند و سهیم باشد. مدیر ستاد دیه استان البرز اضافه کرد: هموطنان می‌توانند مبالغ خود را به شماره کارت ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۹۹۴۴۴۰۳ یا شماره حساب ۰۲۵۲۵۲۵۰۰۲ نزد بانک ملی ایران به نام ستاد مردمی دیه استان البرز واریز یا جهت کسب اطلاعات بیشتر به دفتر این ستاد واقع در کرج، مهرویلا، انتهای بلوار انوشیروان شرقی بعد از ساختمان نظام مهندسی مراجعه یا با شماره‌های ۰۲۶۳۲۷۲۲۳۱۶ - ۰۲۶۳۲۷۲۲۳۱۶ تماس حاصل نمایند.

وی یادآور شد: ستاد دیه تنها نهاد مردمی است که عهده‌دار آزادی زندانیان جرایم غیرعمد در کشور است و امیدواریم با کمک خیرین بتوانیم در ماه رمضان با برگزاری جشن رمضان شمار زیادی از

مدیر ستاد دیه البرز گفت: ۴۰۸ زندانی جرائم غیر عمد در این استان چشم انتظار حمایت نیکوکاران برای آزادی از زندان هستند. - محمدباقر مقدسی - روز شنبه افزود: از مجموع این افراد با جرائم بدهکاری مالی و مهریه ۳۷۱ نفر مرد و ۳۷ زن هستند که انتظار می‌رود با کمک خیرین بتوان آن‌ها را از زندان آزاد کرد. وی اضافه کرد: سال گذشته ۷۲۳ زندانی غیر عمد توسط ستاد دیه و کمک دادگستری البرز آزاد شدند.

مدیر ستاد دیه استان البرز یادآور شد: پوشش مردمی نذر آزادی، از ابتدای محرم با هدف آزادی زندانیان جرائم غیرعمد آغاز شده که با استقبال مردم و خیران همراه بوده است. مقدسی گفت: این پوشش به منظور آزادی ۷۲ زندانی جرائم غیرعمد در استان البرز آغاز شده و هر

نماینده مجلس: برنامه ریزی در بخش آب البرز باید مبتنی بر دورنمای جمعیتی باشد

وی تأکید کرد: ضرورت دارد که هر طرح و پروژه‌ای، پیوست جمعیتی و توسعه‌ای داشته باشد. نماینده مردم کرج، اشتهارد و فردیس در مجلس شورای اسلامی با رد دوگانه‌سازی میان تأمین آب شرب و کشاورزی گفت: نباید جامعه را در دوگانه شرب و کشاورزی قرار دهیم. وی تأکید کرد: البته که آب شرب اولویت دارد، اما امنیت غذایی نیز یکی از موضوعات اصلی و از ارکان ثبات ملی است. هیچ کشوری امنیت غذایی‌اش را نادیده نمی‌گیرد؛ حتی کشورهایی که منابع آب فراوان دارند.

نماینده مردم کرج، اشتهارد و فردیس در مجلس شورای اسلامی گفت: بی‌توجهی به رشد جمعیت استان البرز در برنامه ریزی بخش آب، مشکلات بزرگی در تأمین نیازهای شرب، کشاورزی و صنعتی به بار می‌آورد. «علیرضا عباسی» روز شنبه در نشست شرکت آب منطقه ای استان البرز تأکید کرد: این استان در حال تجربه افزایش بارگذاری جمعیتی است؛ از رشد طبیعی جمعیت گرفته تا مهاجرت‌های بین‌استانی و طرح‌های توسعه‌ای مانند مسکن ملی بنابراین اگر برای این آینده فکر نکنیم، با مشکلات بزرگی خواهیم شد.

جوانان در میانه رشد جمعیت و هشدار زمین

در جهانی که شمار ساکنانش از ۸.۲ میلیارد گذشته و زمین از هشدارهای زیست‌محیطی لبریز است، جوانان در خط مقدم انتخاب‌ها، تغییرات و چالش‌ها ایستاده‌اند.

۱۱ ژوئیه ۲۰۲۵ (۲۰ تیرماه) روز جهانی جمعیت است، در شرایطی که جمعیت کره زمین از ۸.۲۳ میلیارد نفر فراتر رفته و بسیاری از کشورهای جهان، از جمله ایران، درگیر چالش‌های هم‌زمانی پیر شدن جمعیت و دغدغه‌های جوان‌سازی هستند. این مناسبت، که از سال ۱۹۹۰ به ابتکار سازمان ملل متحد ثبت شده، فرصتی برای بازاندیشی در نسبت جمعیت، زیست‌پذیری و عدالت است. شعار امسال «توانمندسازی جوانان برای تشکیل خانواده‌هایی که می‌خواهند، در جهانی عادلانه و امیدوارانه» بر محور حق انتخاب آگاهانه و کیفیت زیست تأکید دارد. این رویکرد، نسل جوان را نه فقط مخاطب، بلکه کنشگر اصلی آینده‌ای فراگیر و پایدار معرفی می‌کند.

آنتونیو گوتش، دبیرکل سازمان ملل متحد، در پیام رسمی خود تصریح می‌کند: «جوانان نه تنها آینده را شکل می‌دهند، بلکه خواهان آینده‌ای عادلانه، فراگیر و پایدارند.» او با اشاره به چالش‌هایی نظیر نابرابری اقتصادی، بحران اقلیمی، نابرابری جنسیتی و ناآرامی‌های منطقه‌ای، کشورها را به سرمایه‌گذاری در آموزش فراگیر، سلامت جامع، اشتغال شرافتمندانه و حمایت از حقوق تولیدمثل جوانان فرا می‌خواند. این پیام، فراخوانی است جهانی برای سیاست‌گذاری‌هایی که به زیست‌پذیری، تاب‌آوری محیط‌زیستی و عدالت اجتماعی، نگاهی یکپارچه داشته باشند ویژگی‌هایی که در کشورهای در حال گذار جمعیتی، از جمله ایران، اهمیت دوچندان دارد. در سطح ملی، ایران طی سال‌های اخیر با اجرای سیاست‌هایی مانند «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت»، در تلاش بوده تا به چالش‌های ناشی از کاهش نرخ باروری و تغییرات ساختار سنی پاسخ دهد.

با این حال، موفقیت این مسیر صرفاً در افزایش عددی جمعیت نیست؛ بلکه در هماهنگی سیاست‌های جمعیتی با ملاحظات محیط‌زیستی، ظرفیت‌های نهادی، عدالت فضایی و مطالبات نسل جوان نهفته است. حمایت از حقوق تولیدمثل، ارتقای زیرساخت‌های سلامت باروری، گسترش مشاغل سبز، آموزش محیط‌زیستی، و تقویت عدالت جنسیتی باید در کانون راهبردهای ملی قرار گیرد.

از سوی دیگر، روند هم‌زمان پیر شدن جمعیت و افزایش جمعیت جوان در ایران، لزوم طراحی سیاست‌هایی را ایجاد می‌کند که هم‌زمانی فعال و همدلانه بین نسل‌ها را تقویت کند. توسعه فضاهای شهری چندنسلی، بهره‌گیری از دانش تجربی سالمندان در آموزش‌های غیررسمی، و گسترش تعامل فرهنگی میان نسل‌ها می‌تواند سرمایه اجتماعی را افزایش داده و پیوند پایداری میان گذشته و آینده برقرار سازد.

در سطح جهانی، گزارش تازه «Frontiers ۲۰۲۵» از سوی برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد (UNEP)، هشدار می‌دهد که چالش‌هایی چون فعال‌شدن ویروس‌های منجمد در اثر گرمایش زمین، افزایش آسیب‌پذیری سالمندان در برابر آلودگی‌ها، و بازگشت آلاینده‌های تاریخی در پی سیلاب‌ها، پیامدهایی جدی برای سلامت عمومی و زیست‌بوم جهانی دارند. این خطرات نشان می‌دهند که رشد جمعیت باید همراه با تقویت تاب‌آوری زیست‌محیطی، توسعه زیرساخت‌های پایدار، و مدیریت مبتنی بر شواهد باشد.

در همین چارچوب، نقش جوانان در خلق نوآوری‌های زیست‌محیطی بیش از گذشته اهمیت دارد. نسل جوان نه تنها مخاطب سیاست‌ها، بلکه طراح راه‌حل‌های بومی‌سازی‌شده در حوزه‌هایی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر، کشاورزی هوشمند، شهرهای سبز و فناوری‌های پاک است.

سرمایه‌گذاری در کارآفرینی سبز، گسترش آموزش محیط‌زیستی، و حمایت از استارت‌آپ‌های فناورانه، مسیرهایی مؤثر برای ارتقای زیست‌پذیری شهری و کاهش فشارهای اکولوژیک در دوران گذار جمعیتی فراهم می‌آورد.

افکار عمومی و فرهنگ رسانه‌ای نیز نقشی تعیین‌کننده در تغییر نگرش‌ها نسبت به فرزندآوری، نقش زنان، مصرف پایدار و اخلاق زیست‌محیطی دارند. بهره‌گیری هوشمندانه از روایت‌پردازی رسانه‌ای و تولید محتوای فرهنگی منسجم می‌تواند زمینه نهادینه‌سازی گفتمان عدالت زیستی و مسئولیت‌پذیری جمعیتی را در جامعه فراهم کند.

سازمان امور مالیاتی کشور، در پی انتشار برخی شایعات در فضای مجازی مبنی بر «وضع مالیات بر مهریه‌های بالا»، سازمان امور مالیاتی در اطلاعیه‌ای که شامگاه شنبه منتشر شد، تأکید کرد: با استناد به ماده ۱۴۴ قانون مالیات‌های مستقیم، مهریه ثبت‌شده در اسناد رسمی نکاحیه از شمول مالیات خارج بوده و به‌صورت کامل معاف از پرداخت مالیات است. بر اساس این اطلاعیه، تا کنون هیچ قانون یا اصلاحیه‌ای در خصوص لغو یا تغییر این معافیت به تصویب نرسیده است و در نتیجه، معافیت مالیاتی مهریه کماکان به قوت خود باقی است؛ اعم از اینکه مهریه به صورت نقدی، سکه، ملک، خودرو یا سایر اقلام منقول یا غیرمنقول باشد.

فقدان ضمانت اجرایی، نبود ناظر مشخص و سکوت پررهنه وزارت صمت، اجرای یک سیاست سبز را به خاک سپرد؟

آیین‌نامه‌ای که زباله شد!

در جهانی که بیش از ۱۲۷ کشور قوانینی الزام‌آور برای کاهش مصرف کیسه‌های پلاستیکی تصویب کرده‌اند، پرسش اینجاست که چرا در ایران، اجرای آیین‌نامه‌ای که دقیقاً همین هدف را دنبال می‌کرد، متوقف شده است؟ آیین‌نامه کاهش مصرف کیسه‌های پلاستیکی در سال ۱۴۰۱ با هدف مقابله با یکی از جدی‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی دوران ما - یعنی آلودگی گسترده ناشی از پلاستیک‌های یکبار مصرف - در هیأت دولت به تصویب رسید. با این حال، در فاصله‌ای کوتاه، اجرای مواد کلیدی این آیین‌نامه متوقف شد. این توقف، نه ناشی از مخالفت عمومی، بلکه حاصل معجون‌های ناکارآمدی اجرایی، خلأهای آماری، و نبود اراده سیاسی واقعی برای مواجهه با بحران بود.

در دل این شکست اجرایی، چند عامل کلیدی به چشم می‌خورد. نخست، فقدان آمار دقیق از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت درباره میزان و منشأ تولید کیسه‌های پلاستیکی است. این در حالی است که هرگونه سیاست‌گذاری معنادار در حوزه محیط‌زیست، نیازمند داده‌های روشن، به‌روز و قابل اتکا است. وقتی نهاد مسئول حتی نمی‌تواند آمار شفاف تولید کیسه‌های کمتر از ۲۵ میکرون را ارائه دهد، چگونه می‌توان انتظار داشت روند کاهش سالانه ۲۰ درصدی این تولیدات به‌درستی پیگیری و پایش شود؟

دوم، عدم وجود ضمانت اجرایی برای ماده ۳ این آیین‌نامه است. این ماده به‌صراحت توزیع رایگان کیسه‌های پلاستیکی در فروشگاه‌ها را ممنوع اعلام کرده بود. اما همانطور که تجربه نشان داده، «ممنوعیت بدون ضمانت اجرا» در ایران، صرفاً ترجمه‌ای است از بی‌عملی قانونی. وقتی برای تخلف، مجازاتی تعریف نشده، یا امکان نظارت بر آن فراهم نیست، در عمل چیزی از قانون باقی نمی‌ماند جز یک اعلامیه.

سوم، نبود شفافیت در فرایند نظارت بر اجرای این آیین‌نامه نیز مزید بر علت شده است. وقتی نهاد ناظر مشخص نیست، یا ظرفیت کافی برای پایش و نظارت ندارد، پیگیری مفاد قانون صرفاً در حد آیین‌نامه‌ای زیبا روی کاغذ باقی می‌ماند. این‌گونه است که سیاست زیست‌محیطی، به قربانی ساختارهای ناکارآمد اداری بدل می‌شود.

این در حالی‌ست که ابعاد بحران پلاستیک در کشور، بسیار فراتر از آن چیزی است که اغلب در رسانه‌ها دیده می‌شود. طبق آمار رسمی، روزانه ۵۷ هزار تن پسماند عادی در شهرهای ایران تولید می‌شود که حدود ۱۲

درصد آن پلاستیکی است. تخمین‌ها نشان می‌دهد که از میان ۱.۵ میلیون تن پلاستیک‌های یکبار مصرف مصرف‌شده، تنها نیمی از آن بازیافت می‌شود و مابقی یا سوزانده می‌شود یا در طبیعت رها می‌شود؛ طبیعتی که توان تجزیه‌پذیری پلاستیک را ندارد و برای سده‌ها با آن درگیر می‌ماند.

نکته تأسفار دیگر، واردات ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تن مواد پلاستیکی به کشور در کنار ۳.۵ میلیون تن مواد پلیمری داخلی است. ما نه تنها در مصرف، بلکه در تولید و واردات نیز به پلاستیک وابسته‌ایم. این یعنی بحران، نه فقط مصرفی، که ساختاری است؛ اما در کنار همه این‌ها، فقدان رویکرد بلندمدت در سیاست‌گذاری زیست‌محیطی نیز خودنمایی می‌کند. آیین‌نامه ۱۴۰۱ اگرچه قدمی رو به جلو بود، اما به نظر می‌رسد نه با رویکرد مشارکتی تدوین شده بود، و نه برای آن، زیرساخت حمایتی، آموزشی و فرهنگ‌سازی لازم فراهم شده بود. در غیاب آگاهی عمومی، پشتیبانی صنعتی و ضمانت قانونی، حتی بهترین آیین‌نامه‌ها هم محکوم به شکست‌اند.

اکنون سازمان حفاظت محیط‌زیست، در حال بازنگری آیین‌نامه در قالب اصلاحیه‌ای است که در کمیسیون امور زیربنایی دولت بررسی می‌شود. اما این‌بار، صرف «بازنگری» کافی نیست. لازم است دولت، این بار با صدای بلند بپذیرد که برای کاهش مصرف پلاستیک، تنها ابزار قانونی کفایت نمی‌کند. این مسئله نیازمند یک تغییر ذهنیت و فرهنگی است، که از مدرسه تا بازار، از رسانه تا وزارتخانه، باید نهادینه شود.

نقش مردم در این میان، بی‌بدیل است. بدون مشارکت شهروندان در کاهش مصرف، استفاده از کیسه‌های پارچه‌ای، و پرهیز از ظروف یکبار مصرف، هیچ سیاستی موفق نخواهد شد. اما چگونه می‌توان از مردمی که آموزش ندیده‌اند، یا جایگزین مناسبی در اختیار ندارند، انتظار رفتار مسئولانه داشت؟ مسئولیت این ناآگاهی، متوجه ساختارهایی است که سال‌هاست محیط‌زیست را به حاشیه رانده‌اند.

در نهایت، شاید مهم‌ترین درسی که از شکست اجرای آیین‌نامه کاهش مصرف پلاستیک می‌توان گرفت، این است که در ایران، نسبت سیاست‌گذاری با محیط‌زیست، همچنان سطحی، مقطعی و فاقد نگاه آینده‌نگر است. گویی محیط‌زیست فقط در روزهای مناسبتی یا بحران‌های پررنگ رسانه‌ای اهمیت می‌یابد، نه به‌عنوان بنیانی برای بقا و رفاه جمعی. ما با بحرانی مواجهیم که نه صرفاً زیست‌محیطی، بلکه تمدنی است. یعنی ریشه در ساختارهایی دارد که سال‌هاست اولویت

جاسازی مواد مخدر در بطری‌های شربت سکنجبین

وی ادامه داد: در بازرسی از وسایل همراه این مسافر، تعداد ۷ بطری نوشابه خانواده را که به طرز ماهرانه‌ای بسته بندی کرده و بیان می‌کرد که حاوی شربت سکنجبین است، خارج و پس از بررسی‌های دقیق، ۱۰ هزار سی سی (۱۰ لیتر) شربت مواد مخدر را کشف و ضبط کردند.

این مقام ارشد انتظامی افزود: در اجرای همین طرح در ایستگاه راه آهن تهران نیز ماموران پلیس در حین پایش مسافران به خانمی که وارد ایستگاه شده،

فرمانده یگان‌های انتظامی و حفاظتی فراجا از کشف انواع شربت‌های مواد مخدر از ۲ مسافر قطار تهران و نیشابور خبرداد.

به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از پلیس، سردار رضا بنی‌اسدی‌فر گفت: کارکنان پلیس راه آهن نیشابور در راستای طرح جامع مبارزه با مواد مخدر، حین پایش و بازرسی مسافران در این ایستگاه، به یک نفر از مسافران که در حال پیاده شدن از قطار بود مظنون می‌شوند.

انتظامی

مشکوک می‌شوند. فرمانده یگان‌های انتظامی حفاظتی فراجا تصریح کرد: در بازرسی از وسایل این مسافر ۲ هزار و ۷۷۰ سی سی (حدود ۳ لیتر) شربت تریاک کشف و ضبط شده است.

سردار بنی‌اسدی‌فر با تأکید بر اینکه مبارزه بی‌امان با قاچاقچیان مواد مخدر در خطوط ریلی کشور ادامه دارد، خاطر نشان کرد: برای این متهمان پرونده تشکیل و به مراجع قضایی معرفی شدند.





فرهنگ

دنیای سوادار

یکشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۵۰

دست به نقد

نگاهی به تازه‌ترین ساخته «مهدی جعفری»؛

اشک‌هایی برای هور، نه برای قصه



حاتم ابستم

فیلم اشک هور ساخته مهدی جعفری، محصولی از روایت سینمایی زندگی شهید علی هاشمی، یکی از فرماندهان گمنام و تأثیرگذار دفاع مقدس است؛ شخصیتی که در عین فروتنی و سکوت رسانه‌ای، سهم بزرگی در طراحی و اجرای عملیات‌های هور، خصوصاً در جزایر مجنون داشت.

سوال بعد از دیدن فیلم این است که آیا در قالب یک اثر سینمایی توانسته سهمی در بازسازی این چهره ماندگار داشته باشد؟ یا صرفاً اشک‌های پراکنده‌ای است که نه به‌درستی جاری شده‌اند و نه به هور و جنگ پیوند خورده‌اند؟ این یادداشت، تلاشی است برای پاسخ به این پرسش.

شهید علی هاشمی متولد ۱۳۴۰ در اهواز و برخاسته از خانواده‌ای عرب‌تبار در محله عامری است. جوانی‌اش با حضور فعال در نهادهای انقلابی و سپس تأسیس سپاه حمیدیه همراه بود. در ادامه، فرماندهی تیپ ۳۷ نور را در عملیات بیت‌المقدس بر عهده گرفت و بعدها با تشکیل قرارگاه نصرت، از طراحان عملیات خیبر و بدر شد؛ فرماندهی که برای شناسایی منطقه هور، ۱۱ ماه در نیزارهای نفس‌گیر جنوب زیست و نهایتاً تیر ۱۳۶۷، در روزهای سخت پذیرش قطعنامه، هنگام تخلیه جزایر مجنون شهید و پیکر مطهرش ۲۲ سال بعد، در سال ۱۳۸۹ شناسایی شد.

چنین شخصیتی با آن میزان گمنامی، پیچیدگی، قدرت نظامی و پیوند عاطفی با منطقه و مردم، برای هر فیلم‌سازی می‌تواند گنجی روایی باشد. اما اشک هور به جای استخراج درام، درگیر گزارش‌نویسی شده است.

روایت بی‌درام، پر از داده

مهم‌ترین اشکال اشک هور را باید در ساختار روایی سردرگم، اطلاعات‌محور و غیرسینمایی آن جست‌وجو کرد. فیلم به جای آنکه روایت‌گر ماجرای علی هاشمی باشد، به یک کلاس درس تاریخ نظامی شباهت دارد؛ گویی فیلم‌نامه‌نویس، مقابل شایعات و پرسش‌های رایج درباره علی هاشمی نشسته و یکی‌یکی آن‌ها را با روایت پاسخ می‌دهد. در این میان، آنچه گم می‌شود، شخصیت است. ما با قهرمان همراه نمی‌شویم، بلکه صرفاً از او می‌شنویم.

رفت‌وآمد زمانی فیلم میان سال ۱۳۶۷ (زمان شهادت) و ۱۳۸۹ (دوران تفحص) هم نتهتا به غنای روایی کمکی نمی‌کند، بلکه باعث پراکندگی و از دست رفتن تمرکز مخاطب می‌شود. ظرفیت بالای صحنه‌هایی مانند تخلیه جزیره، تصمیم فرمانده برای ماندن، مواجهه مادر با تفحص‌گران، یا حتی صحنه گفت‌وگو با قاچاقچیان عرب هور، همگی در قالبی سرد، با نریشن، دیالوگ‌های شعاری و اجرای نمایشی از بین می‌روند.

مادر؛ تنها قهرمان واقعی فیلم

در میان این حجم از اطلاعات و روایت‌های باسماه‌ای، تنها نقطه قوت فیلم، بازی دقیق، درونی و پراحساس رویا افشار در نقش مادر

موزه‌های سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران بازگشایی شدند

مدیر هنرهای تجسمی و امور موزه‌های سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران با اشاره به بازگشایی موزه‌های تحت مالکیت این نهاد، گفت: موزه‌ها، خانه‌موزه‌ها و باغ‌موزه‌های این سازمان با عادی شدن شرایط پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، بازگشایی شدند و میزبان علاقه‌مندان هستند.

ابراهیم کمالی اظهارداشت: موزه‌ها، خانه‌موزه‌ها و باغ‌موزه‌های سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران با ابلاغ دستورالعمل شهرداری تهران مبنی بر حفظ و نگهداشت وسایل و اشیای تاریخی و با قدمت موزه‌ها، باغ موزه‌ها و خانه موزه‌ها، در جریان حمله رژیم صهیونیستی به کشورمان از یکم تیرماه تعطیل شدند.

دریچه

وقتی هنر، تکنولوژی را در آغوش می‌کشد؛

آیدا، آینه‌ای در دست ماشین

علیرضا ناظری

در جهان امروز، که مرز میان انسان و ماشین هر روز محو‌تر از قبل می‌شود، ظهور یک ربات نقاش با نام «آیدا» که می‌گوید «قرار نیست جای هنرمندان را بگیرد» چیزی بیشت‌ر از یک کنج‌کاوی تکنولوژیک است. این جمله، پشت نقاب فروتنی، حامل یک منازعه عمیق است: تقابل آفرینش انسانی با شبیه‌سازی ماشینی، و پرسش قدیمی‌تر از آن‌که چه کسی سزاوار نام «هنرمند» است.

آیدا، ربات انسان‌نمایی است که با ظاهری زنانه و لهجهٔ بریتانیایی، پرت‌ر پادشاه چارلز سوم را کشیده، آلن تورینگ را جاودانه کرده، و آثارش در حراجی‌ها به میلیون‌ها دلار فروخته شده‌اند. او در پاسخ به این‌که آیا می‌توان ماشین را هنرمند دانست، پاسخ می‌دهد: «بله، کار من خلاقانه و منحصر‌به‌فرد است.» اما آیا صرف توانایی تولید تصویری زیبا یا منحصر‌به‌فرد، برای نسبت‌دادن عنوان هنرمند کافی است؟ آیا خلاقیت را می‌توان الگوریتم‌سازی کرد؟ یا آنچه در هنر اهمیت دارد، همان چیزهایی است که ربات‌ها فاقد آن‌اند: نیت، رنج، حافظه، و تجربه زیسته؟

آیدا از مفهومی به نام «الهام‌بخشی برای تفکر انتقادی» سخن می‌گوید. شاید همین جمله، کلید فهم پروژه او باشد. او همان قدر که نقاش است، اثر هنری نیز هست. یعنی خودش در مقام شیء، بخشی از یک اجراست؛ رباتی که به مثابه آیین‌های اخلاقی، انسان را وامی‌دارد درباره مرزهای فناوری، اخلاق و خلاقیت تأمل کند. در واقع، وقتی آیدا درباره آینده‌ای عادلانه‌تر و پایدارتر سخن می‌گوید، در حال ایفای نقشی است که شاید بیشتر از آنکه هنری باشد، فلسفی و حتی سیاسی است.

اما در بطن همهٔ این نمایش‌ها، یک پرسش باقی می‌ماند: آیا هنر بدون انسان ممکن است؟

آثار آیدا بی‌شبک دارای انسجام بصری، هارمونی رنگ و پیچیدگی فرمی هستند. اما پرسش اینجاست که آیا «درون‌مایه» دارند؟ آیا می‌توان از رباتی که «احساس» ندارد، انتظار داشت مفاهیمی همچون رنج، عشق، اندوه، یا هراس از مرگ را به تصویر بکشد؟ آیدا اصرار دارد که اثرش «الهام‌گر» است، اما الهام از چه؟ و برای که؟ آیا می‌توان از موجودی که خود تجربه‌ای از جهان ندارد، توقع داشت بازتابی از جهان انسانی خلق کند؟

برخی می‌گویند مهم نیست چه کسی اثر را خلق کرده؛ مهم آن است که چه حسی به مخاطب منتقل می‌شود. اما هنر صرفاً انتقال احساس نیست؛ بلکه «بیان درونی‌ترین لایه‌های فردیت» است. وقتی ون‌گوگ قلم‌مو می‌زند، ما فقط یک گل آفتابگردان نمی‌بینیم، بلکه اضطراب، وسواس، امید و شکست را در هر ضربه قلم حس می‌کنیم. آیا چنین چیزی از یک الگوریتم بی‌نفس ممکن است؟

در سوی دیگر، برخی از مدافعان هنر ماشینی می‌گویند: مگر نه اینکه هنر مفهومی‌ست متحول‌شونده؟ مگر دوشان با گذاشتن یک پیشاب‌گاه در گالری، نگفت که خود «انتخاب» و «موقعیت» می‌تواند هنر باشد؟ پس چرا نقاشی یک ربات، اگر ما آن را به عنوان هنر بپذیریم، هنر نباشد؟

پاسخ شاید در نیت‌مندی نهفته باشد. دوشان می‌خواست مفهوم هنر را به چالش بکشد. و در آن شوک مفهومی، نیت، نقد، و کنش آگاهانه نهفته بود. اما رباتی که با دستور انسان و بر اساس یادگیری ماشینی، پرت‌ر تولید می‌کند، فاقد «آگاهی از اثر» است؛ او به اثرش فکر نمی‌کند، آن را احساس نمی‌کند، از بازخورد آن شاد یا اندوهگین نمی‌شود. این همان نقطه‌ای است که هنر، از صرف تولید تصویر جدا می‌شود. شاید آیدا، با نقاشی کردن و صحبت کردن، بیش از آنکه تهدیدی برای نقاشان باشد، تهدیدی برای مفهوم بازمانی در هنر است. او نه تقلید از واقعیت، بلکه تقلیدی از هنرمند است. شبیه‌ترین تصویر به یک انسان خلاق، بدون آن‌که خلاقیتی انسانی در کار باشد.

در نهایت، باید پذیرفت آیدا آمده تا جای کسی را نگیرد؛ بلکه آمده تا آینه‌ای باشد. آینه‌ای برای اینکه بفهمیم کجای کار ایستاده‌ایم. اگر از رباتی بترسیم که نقاشی می‌کند، باید از جهانی بیشتر بترسیم که دیگر انسان‌ها در آن به ماشین‌هایی بدل شده‌اند که فقط تولید می‌کنند، بی‌آن‌که احساس کنند. خطر اصلی در آیدا نیست؛ بلکه در انسان‌هایی است که ممکن است روزی شبیه آیدا شوند.

امنیتی، شایعات رسانه‌ای و پرسش‌های بی‌پاسخ نشسته و به جای تبدیل آن‌ها به تعلیق و درگیری، مستقیماً پاسخ‌گو شده؛ نه با قصه، بلکه با توضیح. فیلم با تیتراژی همراه نوای مداحی کوبیتی‌پور به پایان می‌رسد؛ پایانی که بیشتر از آن‌که روایت را ببندد یا احساس را تغشیش کند، نشان می‌دهد فیلمساز تا آخرین لحظه نمی‌داند با این همه داده‌های اطلاعاتی چه کند. فیلمی که باید قصه بگوید، تصمیم می‌گیرد فقط گریه کند.

در نتیجه، اشک هور نه فیلمی برای شناخت علی هاشمی است، نه اثری برای درک هور، و نه تجربه‌ای برای سینما. اثری است سرشار از نیت خوب، اما خالی از فرم و روایت.

اگر قصه نمی‌گویید، حداقل قصه نگفتن را بلد باشید
اشک هور یادآور یک خطر قدیمی در سینمای دفاع مقدس است: پرهیز از قصه به بهانه انتقال ارزش. در حالی‌که قصه، بهترین بستر برای انتقال معناست. فیلم در بسیاری از صحنه‌ها، اگرچه قصه نمی‌گوید، اما حتی سکوت و تعلیق هم ندارد. گویی اگر قصه نگفتن بلد نیستند، حداقل باید سکوت را یاد می‌گرفتند.

شاید وقت آن رسیده که برای روایت قهرمانان گمنام، دست از روایت‌های گنگ برداریم و بالاخره، قصه‌ای برای گفتن داشته باشیم.

شهید علی هاشمی از بستر فرهنگی

عربی جنوب برخاست. آشنایی اش

بابومیان منطقه، استفاده از

ظرفیت‌های انسانی همان مردم برای

ساختن یک نیروی بومی قدرتمند و

قهرمانان و درک او از زمین و جغرافیا،

همگی دستمایه‌های عالی درام‌اند.

اما فیلم در هیچ کدام از این عرصه‌ها

درنگ نمی‌کند. صحنه‌های بومی

به کلیشه‌های شناسنامه‌ای تبدیل

می‌شوند و فرهنگ عربی فیلم،

بیشتر در لباس و لهجه می‌ماند تا در

ساحت شخصیت و تفکر.

شهید است. او با کم‌گویی، نگاه، حرکات دست و اضطرابی که در تمام سکانس‌هایش جاری است، وزن احساسی فیلم را حفظ می‌کند. همین هم باعث شد جایزه بازیگری جشنواره فجر به او تعلق گیرد. انتخاب درست کارگردان این بود که اجازه داد شخصیت مادر کمتر حرف بزند، اما بیشتر احساس کند. کاش همین الگو درباره علی هاشمی نیز رعایت می‌شد.

صحنه‌های پرزدخورد فیلم خصوصاً سکانس تخلیه هور و شهادت فرمانده نتهتا قهرمانانه نیستند بلکه به‌شدت باورناپذیرند. دوربین سردستی، تدوین پراکنده، جلوه‌های ویژه ضعیف و شبیه‌سازی‌های سطحی از انفجار و شلیک، بیشتر به تقلید سردستی از فیلم‌های جنگی شباهت دارند تا خلق یک لحظه حماسی.

در صحنه‌ای که بالگرد دشمن راه را بر فرمانده می‌بندد، فیلم نه شجاعت را نشان می‌دهد، نه اضطراب را منتقل می‌کند، نه شگفتی‌سازی می‌کند. تنها یک دویدن در نیزار با قاب‌هایی سرد است که مخاطب را به درک اهمیت لحظه نمی‌رساند.

از فرهنگ بومی تا ظرفیت‌های روایی فراموش‌شده

شهید علی هاشمی از بستر فرهنگی عربی جنوب برخاست. آشنایی‌اش با بومیان منطقه، استفاده از ظرفیت‌های انسانی همان مردم برای ساختن یک نیروی بومی قدرتمند و قهرمانانه و درک او از زمین و جغرافیا، همگی دستمایه‌های عالی درام‌اند. اما فیلم در هیچ کدام از این عرصه‌ها درنگ نمی‌کند. صحنه‌های بومی به کلیشه‌های شناسنامه‌ای تبدیل می‌شوند و فرهنگ عربی فیلم، بیشتر در لباس و لهجه می‌ماند تا در ساحت شخصیت و تفکر.

مثلاً صحنه گفت‌وگو و صلح میان علی هاشمی و قاچاقچیان عرب که بعداً بدل به نیروی عملیاتی‌اش می‌شوند، می‌توانست صحنه‌ای درخشان در شخصیت‌پردازی و روابط اجتماعی باشد؛ اما تنها با چند جمله روایت سراسری و بازی‌های شلوغ و درهم عبور می‌کند.

اشتباه بنیادین فیلمساز در اینجا است: فیلم سینمایی انتخاب کرده، اما مستند حرف زده است. حجمی که در قالب اطلاعات در این فیلم ریخته شده، اگر در یک مستند گزارشی ۲۰ دقیقه‌ای پخش می‌شد، به مراتب مفیدتر، کم‌هزینه‌تر و حتی تأثیرگذارتر بود. اما وقتی قالب سینما انتخاب می‌شود، مخاطب انتظار درام دارد، نه پاسخ به شبهات. در واقع، گویی فیلم‌نامه‌نویس مقابل پرونده‌های

«دنیای هوادار» از ضرورت سیاست گذاری اقلیمی پایداری می گوید؛

عطش اقلیم، تشنگی سیاست

فرازاسدی

زمین سال‌هاست با زبان خود ما را همدار می‌دهد. خشکسالی‌های ممتد، فرونشست زمین، آتش‌سوزی‌های زنجیره‌ای در جنگل‌ها و کاهش بی‌سابقه‌ی منابع آبی، تنها نشانه‌هایی گذرا از یک زخم عمیق‌اند: تغییرات اقلیمی دیگر موضوعی برای گزارش‌های علمی و نشست‌های دانشگاهی نیست؛ بلکه مسئله‌ای زنده، ملموس و فوریت‌دار است که بنیان زیست، کشاورزی، دامداری و حتی حیات شهری را تهدید می‌کند. در چنین وضعیتی، سخنان اخیر رئیس سازمان امور عشایر ایران، جهانبخش میرزوند، نه فقط یک هشدار کارشناسی، بلکه نغمه‌ای از عمق میدان است؛ جایی که اثرات خشکسالی، دیگر در قالب نمودار و نقشه بیان نمی‌شوند، بلکه در صدای شکسته‌ی چوپانی است که رمه‌اش را فروخته و راهی حاشیه‌نشینی شده است.

میرزاوند بدرستی تأکید کرده است که برنامه‌ریزی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های کشور باید «مبتنی بر تغییرات اقلیمی و تاب‌آوری جوامع عشایری، روستایی و شهری» باشد. این تأکید، در ظاهر بدیهی است، اما دقیقاً از همین بدیهیات غفلت شده است. سال‌هاست سیاست‌گذاری ما در حوزه‌های منابع طبیعی، آب، کشاورزی و زیرساخت‌های توسعه، بر اساس مدل‌هایی ایستا و بی‌توجه به روندهای اقلیمی تنظیم شده‌اند. گویی اقلیم، قرار است به وضعیت پیشین بازگردد و «وضع موجود» را تداوم ببخشد؛ حال آنکه همه شواهد حکایت از آن دارند که اقلیم برگشتی ندارد. آنچه رئیس سازمان امور

عشایر می‌گوید، بازتابی از یک وضعیت زیست‌محیطی بحرانی است که بیش از همه گریبان جامعه عشایری را گرفته است. جامعه‌ای که در نسبت مستقیم با طبیعت، خاک، مراتع و منابع آب زندگی می‌کند، و کوچک‌ترین اختلال در این چرخه، به قیمت کوچ اجباری، نابودی معیشت و در نهایت، خالی‌شدن عرصه‌های طبیعی از جمعیت بومی تمام می‌شود. مهم‌ترین بخش از سخنان میسرزاوند، تأکید بر ضرورت احیای مراتع است. او صریح می‌گوید: «پوشش گیاهی مراتع کشور خوب نیست» و این جمله، نباید فقط به‌عنوان یک اظهار نظر فنی خوانده شود، بلکه زنگ خطر است برای سیاست‌گذاران، نهادهای توسعه و حتی شهروندپنانی که گمان می‌کنند مسئله مراتع، مسئله‌ای محلی و بیرون از چارچوب زیست‌روزمردی آنهاست.

مرتع، تنها منبع تأمین علوفه برای دام عشایر نیست؛ بلکه یک سپر اکولوژیک در برابر سیل، فرسایش خاک، و منبع تغذیه سفره‌های زیرزمینی است. تخریب آن، اثر دومینویی دارد که ابتدا دامدار را وادار به فروش دام و ترک سرزمین می‌کند، سپس خاک را از پوشش گیاهی تهی، و در نهایت، شهرها را با گردوغبار و بیابان‌زایی مواجه می‌کند. نکته قابل تأمل در سخنان رئیس سازمان امور عشایر، تأکید بر «مشارکت بهره‌برداران محلی» برای احیای مراتع است. این نگاه مشارکتی، برخلاف نگاه از بالا به پایین رایج در برخی سیاست‌گذاری‌ها، واجد ظرفیت تحول‌آفرینی است. احیای منابع طبیعی، بدون مشارکت مردمی و بدون بازگرداندن نقش جامعه محلی در مدیریت زیست‌بوم‌ها، ممکن نیست. تجربیات موفق

جهانی در مدیریت منابع مشترک، نشان می‌دهد هر جا مردم در فرایند احیا و بهره‌برداری مسئولیت و سهم داشته‌اند، هم منابع پایدارتر بوده‌اند، هم عدالت حفظ شده است.

در همین راستا، میزبانان از بحران آب نیز سخن گفتند: کاهش ذخایر سدها، افت بارندگی و بحران آب شرب. این سه گانه، بار دیگر نشان می‌دهد که خشکسالی دیگر یک بحران زیست‌محیطی صرف نیست، بلکه یک مسئله حیات اجتماعی است. امروز جامعه عشایری و روستایی با آن مواجه‌اند؛ فردا، در لوله‌های خشک‌شده شهرهای بزرگ، تجربه خواهد شد؛ اما مهم‌ترین چالش، نه در خود بحران، که در مواجهه ما با آن است. آیا برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای ما در حوزه‌های زیرساخت، انرژی، کشاورزی و صنعت، تغییرات اقلیمی را به‌عنوان «متغیر کلیدی» در نظر گرفته‌اند؟ آیا سرمایه‌گذاری‌ها در مناطق آسیب‌پذیر از بازایی دقیق از ظرفیت منابع طبیعی انجام می‌شود؟ پاسخ صادقانه به این پرسش‌ها، راه را برای بازبینی نگاه کلان، به اقلیم باز می‌کند.

در نهایت، باید از سخنان رئیس سازمان امور عشایر این
پیام روشن و غیرقابل انکار را استخراج کرد: تغییر اقلیم
یک «حادثه» نیست، یک اختلال مقطعی یا رخدادی نادر
نیست؛ بلکه یک واقعیت ساختاری و بلندمدت است
که همه بنیان‌های برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و حتی
فرهنگ توسعه در کشور را به چالش کشیده است. ما
دیگر با اقلیمی که در دهه‌های گذشته می‌شناختیم،
مواجه نیستیم؛ اقلیم جدید، نه‌تنها خشن‌تر، بی‌ثبات‌تر و
ناپایدارتر شده، بلکه در بسیاری از مناطق کشور، مناسبات



بین انسان و زمین را به‌کلی تغییر داده است. در این وضعیت، ادامه سیاست‌گذاری بر مبنای فرضیات قدیمی، چیزی جز شتاب‌دادن به فروپاشی زیست‌بوم‌ها نیست. تغییر اقلیم را نمی‌توان متوقف کرد، اما می‌توان برای زندگی در دل آن آماده شد. این آمادگی نیازمند دانشی است که به تجربه‌های بومی احترام می‌گذارد، مشارکتی است که مردم را در متن تصمیم‌ها قرار می‌دهد، و شجاعتی است که در برابر عادت‌ها و منافع کوتاه‌مدت مقاومت می‌کند. اکنون، نه زمان تردید است، نه زمان شعار. اکنون، زمان تصمیم است. تصمیم برای اینکه بپذیریم ایران آینده، به سیاستی اقلیمی، مردمی و تاب‌آور نیاز دارد؛ پیش از آنکه طبیعت، تصمیم نهایی را برای ما بگیرد.

**فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ایی خرید مصالح و اقلام تاسیسات مکانیکی و برق
برای تکمیل پروژه احداث ساختمان توانبخشی، امدادی و اداری جمعیت هلال احمر
شهرستان اشترهارد به شماره مناقصه ۱۰۰۰۰۰۰۰۳۶۰۰۴۰۰ - نوبت دوم**



است. سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج است.

- تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانه ۱۴۰۴/۴/۱۷ می باشد.
- مهلت دریافت اسناد از سامانه : تا ساعت ۸ صبح روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۴/۲۶ می باشد.
- مهلت ارسال پیشنهادات از طریق سامانه : تا ساعت ۸ صبح روز سه شنبه ۱۴۰۵/۵/۷ می باشد.
- دستگاه مناقصه گذار به آدرس : استان البرز کرج خیابان شهید بهشتی چهار راه طالقانی غربی جمعیت هلال احمر استان البرز

تلفن ۰۲۶۳۴۴۰۸۱۲۷ کد پستی ۳۱۴۴۷۱۵۷۵۶

- بازگشایی پاکت ها: ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۵/۷

در محل سالن جلسات جمعیت هلال احمر استان البرز به آدرس دستگاه مناقصه گذار می باشد. **نوبت اول: ۱۴۰۴/۴/۲۱**

جمعیت هلال احمر استان البرز

کلیه مراحل مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد قیمت مناقصه گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام در سامانه مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیک را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. مناقصه گران بایستی اسناد مناقصه را از طریق سامانه دریافت و با توجه به مندرجات اسناد و شرایط مناقصه، مدارک درخواستی را شامل پاکت (الف،ب،ج) بصورت فایل pdf تا ساعت ۸ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۷ در سامانه اسکن و بارگذاری نمایند.

توجه: چنانچه برندگان اول و دوم مناقصه حاضر به مبادله پیمان نشوند سپرده شرکت در مناقصه آنان به ترتیب ضبط خواهد شد. جمعیت هلال احمر در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار

[illegible]

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت
ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - کرج (نوبت دوم)**

برابر برای شماره ۷۳۲۰۰۰۵۷۰۳۳۱۰۶۰۱۴۰ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای پرویز احمدی فرزند محمدحسین بشماره شناسنامه ۵۲۹۱ صادره از تهران در سه دانگ مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۴۸/۳۴ مترمربع از پلاک ۱۱۵۳ فرعی از ۱۲ اصلی واقع در ماهدشت احمدآباد خ کارگر خ ریحان خریداری از مالک رسمی آقای رحیم کرمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی م ی شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۵۴۷۴۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۷ تیرماه ۱۴۰۴

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت
ثبتي و اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي - كرج (نوبت دوم)**

برابر برای شماره ۷۳۳-۵۷۰۰۳۳۱۰۱۴۰۶ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زهره وثوق ملکی فرزند حسین بشماره شناسنامه ۳۷۴۷ صادره از تهران در سه دانگ مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۶۸۸/۳۴ مترمربع از پلاک ۱۱۵۳ فرعی از ۱۲ اصلی واقع در ماهدشت احمدآباد خ کارگر خ ریحان خریداری از مالک رسمی آقای رحیم کرمی معزز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی م ی شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۵۴۷۴۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۷ تیرماه ۱۴۰۴

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج

سیامک نعمتی گل گهری شد

هافبک سابق پرسپولیس و فصل گذشته نساجی به تیم فوتبال گل گهر سیرجان پیوست. به گزارش «دنیای هوادار»، سیامک نعمتی هافبک سابق تیمهای پرسپولیس و تراکتور که فصل گذشته در نساجی توپ میزد، پس از سقوط به دسته اول، از این تیم جدا شد و در فصل جدید در یک تیم لیگ برتری بازی خواهد کرد. نعمتی پس از جدایی از نساجی، با گل گهر به توافق رسید و فصل آینده در سیرجان بازی می کند. نعمتی که سابقه پوشیدن پیراهن تیم ملی را نیز در کارنامه دارد، با قراردادی دو ساله، عضو جدید گل گهر در فصل جدید لیگ برتر فوتبال ایران خواهد بود.



ورزشی

دنیای هوادار

یکشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۵۰

نیش هوادار

نیمکت استقلال بزرگتر می خواهد!

بگیرد که:

۱. در قدوقاره‌ی نام بزرگ استقلال باشد و پیش‌تر نیز خودش را در این جایگاه اثبات کرده باشد؛
۲. مورد اعتماد هواداران قرار گیرد و نزد بازیکنان، مرجعیت و اقتدار لازم را داشته باشد؛
۳. علاوه بر تسلط بر وظایف و مسئولیت‌های فنی‌اش، توانایی مهار و مدیریت ساینپنتو را نیز داشته باشد. استقلال در درون خود، کم ندارد افرادی را که از شایستگی لازم برای سرپرستی تیم برخوردارند. چه‌رهایی مانند بهتاش فریبا، اصغر حاجی‌لو، پرویز مظلومی، بیژن طاهری، جواد زرینچه و دیگران، همگی سابقه‌ی درخشان در این حوزه دارند. اما آنچه در این مقطع اهمیت‌ی دوچندان دارد، چگونگی مدیریت ساینپنتو است؛ مدیریتی که به‌واسطه ویژگی‌های

مجید سعیدی

استقلال، که حالا با نگاهی به گذشته تصمیم گرفته باز هم ساینپنتو را برای ورود به فصل ۱۴۰۴-۱۴۰۵ روی نیمکت بنشانند، ناگزیر است فکری جدی برای ساختار فنی خود بکند.

ایمان عالمی، چه‌ره‌ای باشخصیت و از بدنه و خانوادگی قدیمی استقلال است. او فصل گذشته، با وجود تمام فراز و فرودها، هر آنچه در توان داشت، بی‌دریغ در اختیار تیم گذاشت. اما حالا، با توجه به آنچه می‌توان آن را «تغییر رویکرد» در باشگاه دانست (اگر انتخاب دوباره ساینپنتو مصداق این تغییر باشد)، روشن است که ترکیب نیمکت هم نیازمند تحول است.

در چنین شرایطی، استقلال باید فردی را به خدمت

بازگشت نیکفر به مدیریت باشگاه سپاهان؛

ملاک شایستگی مدیریت چیست؟!؟

اصغر قلندری

به‌شمار می‌آید. اگر مدیری فاقد چنین ویژگی‌هایی باشد، دیگر نیازی به بررسی توانایی‌های فنی و تخصصی او وجود ندارد؛ چون پیش‌نیازها را ندارد.

فرض کنید فردی از نظر تخصصی در سطحی بسیار بالا قرار داشته باشد، اما فاقد برخی از ویژگی‌های بنیادی و عمومی لازم برای مدیریت باشد. آیا می‌توان چنین فردی را مدیر موفق دانست و او را به‌درستی در این جایگاه منصوب کرد؟

در سال‌های اخیر، موضوع انتصاب مدیران در دو باشگاه فولاد مبارکه سپاهان و ذوب آهن، به بحثی داغ در محافل ورزشی بدل شده؛ بحثی که امیدواریم در نهایت به نفع ورزش استان، و به‌ویژه فوتبال این دو باشگاه پراوازه اصفهانی، تمام شود - باشگاه‌هایی که طبق شنیده‌ها، حتی یک بازیکن بومی نیز در ترکیب تیم‌های اصلی

وقتی صحبت از تغییرات پدیری در مدیریت باشگاه فولاد مبارکه به میان می‌آید، بی‌تردید این پرسش اساسی مطرح می‌شود: ملاک شایستگی مدیریت در این باشگاه چیست؟ به‌ویژه آنکه نخستین نکته‌ای که به ذهن‌ها خطور می‌کند، چرایی و دلیل این تغییرات متوالی است. چرا این همه جابه‌جایی در رأس مدیریت باشگاه صورت می‌گیرد؟

بدیهی‌ست که پیش از ورود به بحث‌های تخصصی، یک‌سری معیارهای عمومی برای ارزیابی شایستگی مدیران وجود دارد. اگر فردی از همین معیارهای پایه برخوردار نباشد، اساساً نیازی به ورود به بحث تخصصی هم نیست. برای نمونه، داشتن بینش و درک عمیق مدیریتی، یکی از مشخصه‌های بدیهی و غیرقابل اغماض در ارزیابی یک مدیر

شیراز میزبان پهلوانان نوجوان کشور شد؛ گامی به سوی میزبانی آیین بازوبند پهلوانی

حمیدرضا خلیقی



امیدواریم میزبان درخور شانی برای پهلوانان نوجوان ایران باشیم.

مردم: تماشاگران اصلی

رئیس هیات ورزش‌های زورخانه‌ای فارس در پاسخ به پرسش درباره محل برگزاری مسابقات گفت: مکان دقیق هنوز مشخص نشده، اما در حال بررسی گزینه‌هایی هستیم که امکان حضور راحت تماشاگران فراهم باشد؛ چرا که تماشای این رقابت‌ها برای مردم، به‌ویژه نوجوانان، الهام‌بخش خواهد بود.

حمایت دستگاه‌ها به‌رغم نبود درآمد

حسینی با بیان اینکه ورزش‌های زورخانه‌ای منبع درآمدی ندارد، تاکید کرد: طبق قانون، ۴۴ دستگاه اجرایی موظف به همکاری با این رشته هستند؛ از شهرداری، دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش انتظار حمایت داریم؛ هرچند تاکنون رایی‌هایی صورت گرفته و وعده‌هایی برای همکاری داده‌اند.

زمینه‌سازی برای آیین بازوبند پهلوانی

او در ادامه اظهار کرد: اگر در این میزبانی سرلند

بیرون بیاییم، اعتبارش برای تمام مردم فارس خواهد بود؛ قصد داریم در آینده‌ای نزدیک، آیین مهم اهدای بازوبند پهلوانی را نیز در شیراز برگزار کنیم و این میزبانی می‌تواند زمینه‌ساز آن باشد.

ورزش ثبت‌شده در یونسکو

ورزش زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی به عنوان یکی از اصیل‌ترین ورزش‌های ایرانی، در سال ۲۰۱۰ میلادی در فهرست میراث معنوی یونسکو به ثبت جهانی رسیده است.

مسابقات، هشتم تا دهم مرداد در شیراز

گفتنی است، رقابت‌های کشتی پهلوانی نوجوانان کشور از هشتم تا دهم مردادماه سال جاری به میزبانی شیراز برگزار خواهد شد.

آبی‌ها

درباره جانشین احتمالی حسینی؛

پیرمردی با ۱۷ ماه دوری از بازی رسمی!

امیراسدی

مسئولان باشگاه استقلال و ریکاردو ساینپنتو در شرایطی با آنتونیو آدان مذاکره کرده‌اند که از آخرین بازی رسمی این دروازه‌بان ۳۸ ساله، ۵۰۳ روز می‌گذرد!

کاری به بحث‌هایی که پیرامون تمدید یا عدم تمدید قرارداد حسین حسینی با استقلال وجود دارد، نداریم و وارد این مقوله نمی‌شویم. اسمش را می‌گذاریم تصمیم کادرفنی و مدیران باشگاه و صلاح‌دید که آنها در پیش گرفته‌اند؛ منتهی اینکه چه بازیکنی جایگزین احتمالی حسینی می‌شود، جای بحث فراوان دارد.

در روزهای اخیر شایعه مذاکره استقلال با آنتونیو آدان مطرح شده و البته از سوی مدیران باشگاه تکذیب نشده است. به این معنی که احتمالاً پیشنهادی به این دروازه‌بان اسپانیایی ارائه شده اما او هنوز پاسخی نداده و توافقی صورت نگرفته است. اما آنتونیو آدان کیست و چطور به استقلال لینک شده است؟

آدان در باشگاه‌های بزرگی نظیر اتلتیکومادرید، رئال مادرید، رئال بتیس و اسپورتینگ لیسبون حضور داشته؛ هرچند برخی از آنها به کل روی نیمکت نشسته و در بعضی دیگر دروازه‌بان ثابت بوده است. به عنوان نمونه او در رئال مادرید اغلب ذخیره ایکر کاسیاس بود و هر از چندگاهی درون دروازه قرار گرفت.

عقلانی نیست استقلال که تشنه موفقیت است و بعد از مدت‌ها می‌خواهد قد علم کند و اوج بگیرد، سراغ دروازه‌بانی ۳۸ ساله برود که یک فصل‌و نیم است بازی رسمی انجام نداده. هر چند این دروازه‌بان نامدار باشد اما دوری او از شرایط بازی نمی‌تواند توجیه قابل قبولی داشته باشد.

قبل از رئال، در اتلتیکومادرید نیز همین اتفاق برای آدان رخ داده بود اما اوج درخشش او به دوران حضورش در بتیس برمی‌گردد. جایی که به گلر اصلی و بدون جانشین این تیم تبدیل شد و همراه سفید و سبزها دوران موفقی را تجربه کرد. بعدها هم آدان راهی پرتغال شد و پیراهن اسپورتینگ لیسبون را پوشید. او در لیسبون هم دروازه‌بان ثابت بود اما مصدوم شد و دیگر در رقابتی رسمی به میدان نرفت تا اینکه حالا و در موردی عجیب با پیشنهاد بازی در استقلال مواجه شده است.

اواسط فصل ۲۰۲۴-۲۰۲۳ لیگ پرتغال بود که آدان آسیب دید و جای خود را به دروازه‌بان ذخیره اسپورتینگ لیسبون داد. این اتفاق در بازی با ریوآوه که با تساوی سه بر سه تمام شد، رخ داد و آدان را از آن به بعد در زمین فوتبال ندیده‌ایم. دروازه‌بان اسپانیایی و باتجربه اسپورتینگ لیسبون دچار آسیب عضلانی شد و ادامه فصل را از دست داد.

آدان به دلیل همین آسیب‌دیدگی ۱۶ هفته و ۱۲۳ روز از رقابت‌ها دور ماند و بعد از آن هم برای فصل ۲۰۲۵-۲۰۲۴ پیراهن هیچ تیمی را بر تن نکرد. او آخرین بازی رسمی خود را را روز یکشنبه، ششم اسفندماه ۱۴۰۲ انجام داد؛ یعنی حدود ۱۷ ماه یا ۵۰۳ روز قبل!

گفته می‌شود آدان حتی در یک سال اخیر تصمیم برای خداحافظی از فوتبال گرفته بود اما وقتی با پیشنهاد بازی برای استقلال مواجه شد، از موضع خود عقب‌نشینی کرده است. در همین روزها البته استرلا آمادورا که در لیگ پرتغال حضور دارد نیز برای جذب آدان اقدام کرده اما هنوز پیشنهاد رسمی ارائه نداده است.

در اینکه آنتونیو آدان رزومه قابل توجهی دارد و سال‌ها در لالیگا بازی کرده، کوچکترین شکی وجود ندارد اما با دوری بلندمدت او از فوتبال، آن‌هم به دلیل مصدومیت چطور کنار بیاییم؟ آیا حطی دروازه‌بان است؟ شاید هست و ما خبر نداریم!





■ سردبیر: مهدی تیموری

■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری

■ صفحه آرا: امیر بیات

■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ چاپ: کهن

■ شماره: ۳۴۴۹۹۲۵۵

■ تلفن: ۶

■ واحد: ۱

■ طبقه: ۲

■ پلاک: ۱

■ کوچه: میثم

■ بلوار: جمهوری شمالی

■ کرج

■ نشانی: کرج



www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

یکشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۴

شمارگان ۱۸۵۰

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد



یه کبرایتی مانه؟!!

شهید امیررضا اقدسی در حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی
به مدرسه شهرک شهید چمران به شهادت رسید

***Today the zionist regime's power of
deterrence has come to an end!***